نزد ناطقی وایکندی مانده شد با آنهم در کویته رشته سرنگرفت بی تفاوتی بعضی ها و تضاد فکری آقایون دلسردی مؤقتی را فراهم کرد اکثر علمائیت ویرک شدند بعداً چیزی بنام دفاع از حریم اسلام را مثل که محقق تهیه دید ولی کار نتوانست از جمله حضرات آقایون فصیحی واعظی شهرستانی، ناطقی وایکندی از راه زاهدان داخل ایران می شوند، آقای کفائمی امام جمعه وقت علی وار هر کدام را هزار تومان خرج راه داده رخصت می کند همزمان آیت الله محسنی اعلامیه را بنام « حرکت اسلامی » پخش میکند وشنیده شد که قبل از همان وقت کوچ وی تازه رسیده بوده است بدنبال آن اعلامیه از طرف شخصی صادقی ترکمنی تکثیر میشود. مقارن بدین حال شیخهای جاغوری مثل علی رحیمی وعلی یاور افتخاری گروه قلیل را بنام نهضت اسلامی تشکیل دادند ولی مهاجرین بر عکس این ها را بر وحدت همگانی کرده زحمات زیاد را بپای بردند ونتیجه نگرفتند که در همین سال ۱۳۵۸ سازمان نیروی اسلامی افغانستان بعد از نشست در خانهٔ سید عبدالحمید در قم اعلام موجودیت علنی را نمود. متعاقب آن سازمان های کوچک دیگر از طلبه ها و ملا های شیعیان بعناوین « رعد و نصر و رجا وغیره » پا بر صحنه تاریخ می گذارند که در جایش مفصل شرح خواهیم داد هم چنان اغلباً بعد از ان سابقه های تاریخی وطولانی را ادعا کردند ولی ما که دست اندر کار سیاست بودیم کدام برگه ویا اعلامیه واسناد از گذشتهٔ جمعیت های نامبرده را قبل از سال ۱۳۵۸ ندیده بودیم وخدا کند که چنین باشد در هر حال همان که تلاشهای در ایران جریان داشت در کویته نیز فعالیت های نافذ بود. با آنکه در مرحلهٔ

اول درین اغلب مهاجرین وا همه عجیب حکمفرمائی داشت شور و شوق فعالیت و کار نیز دیده می شد ولی لبا عناصر سرشناس جرئت تبارز را نداشتند که بحیث نمونه ذکر آن رفت ولی اقلیت از جان گذشته دران وقت مجدانه کوشیدند که بر ارتباط تنظیم « اتحادیه مجاهدین اسلامی افغانستان » را بنیان گزاری نمایند.

البته قبل ازان « تنظیم نسل نو هزاره » وجود خارجی داشت که سوابق تقریباً هشت سال یا بیشتر ازان را مجلات بنام « ذوالفقار » شهادت تاریخی میدهد که بانی آن غلام علی حیدری فرد تعلیم دیده میباشد نخستین بار در خانه یعقوب علی انیس که طبع شعری هم دارد کار خود را آغاز می کند و متعاقب آن از « انجمن اثنا عشریه » درخواست قطعه زمینی را برای تعلیمات نسل نو می کند درخواستی پذیرفته میشود و بکمک مردم دیوارهای آن بنا میگردد و پس از چندی که متعلمین که دران تحصیل میکردند به تعداد سه صد (۳۰۰) نفر میرسد. که پی آمد فرهنگی آن مجله ذوالفقار می شود که درین مجله مقاله های از شیخ علی یاور افتخاری رهبر نهضت و عبدالحسین اخلاقی و غلام حسین رضوانی هم دیده میشود.

که دران درج است همین مجلات حتی در سالهای (۱۳۵۰) در کابل رسیده من و مبلغ آن را خوانده‌ام زمانیکه کودتای ثور بوقوع می پیوندد بنا بر احساس ملی همرای مهاجرین آن زمان کمک های قابل قدر کرده اند ، بعساکر فراری ، افراد آواره جوانمردانه مساعدت نمودند و به همکاری افغانستانیها ش حاجی غلام رسول و عبدالحسین مقصودی ، عبدالصمد اکبری « اتحادیه مجاهدین اسلامی افغانستان » را در سال ۱۳۵۸ بوجود می آورند که سرپرستی

وسگهای ده قلاده میکشند، احزاب پشاورنشین درعرض راه همرای اولین قافله نهایت صمیمیت بخرج میدهند، سرانجام از سرک عمومی قندهار در شب عبور کرده درجبهه هزاره جات واقع "هنگی" می پیوندد.

پیوستن اولین قافله نیمه سیاسی هزاره گی از پاکستان در هزاره جات افغانستان موجب خرسندی عظیم هزاره های جاغوری میگردد، مجلس خصوصی ترتیب میشود سران جبهه به ترتیب پال خود آغاز می کنند، طبق دستور دفتر مرکزی اتحادیه درجاغوری مسئله ارتباط سراسری هزاره جات که تقریباً یک ملت اند مطرح میشود، همگی موافقه می کنند تا هیأت برای ارتباط در تمام جبهه های جهاد اعزام گردد که از جمله شیخ عبدالحکیم صمدی، حاجی شیرآغا، حاجی غلام رسول از استقامت ناهور و مالستان سوی ورس وایزنگی رفته نقشه را مطرح می سازد و مکتوبهای در تمام ولایات هزاره جات ارسال گشته ازان ها نماینده طلب می شود مردم بیشتر از (۳۰) حکومت نشین هزاره جات باشور وشوق نماینده های خود را فرستادند که از بهسود ارباب محمد عیسی پسر عمویم وشیخ قاسمی بورس اعزام گردیدند. لذا به همکاری وایزنگی ها شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان را بتاریخ برج سنبله سال ۱۳۵۸ بنا نهادند و در پانزدهم سنبله قطعنامهٔ تاریخی خود را شورای اتفاق پخش نمود که دران روسها اخطار داده شده بود که در امور افغانستان مداخله ننمایند "سید علی بهشتی" بنابر حمایت بعضی ها خصوصی سناتور محمد علی خان پنجاب رئیس شورا معین گردند که معاون آن آقای عبدالحکیم صمدی انتخاب شد امید مردم روز بروز بیشتر شده بود همزمان شخصی بنام

کربلائی اقبال ساکن غوغه جاغوری را بغرض ارتباط بکویته پاکستان گسیل میگردد. کربلائی اقبال اولین حامل پیام دهنده مناطق آزاد شده هزاره جات است که آگاهانه اعزام شده است در رابطه اعضای اتحادیه چاری ناسور را در پشاور میبرند ولی میان او و حاجی برکت اشکالات واقع می گردد بعد عبدالحسین مقصودی ساکن ناهور را در اسلام آباد میبرند تا او در رابطه مصاحبه کند او هم که واهمه داشته است نام ولی بیگ همرای نماینده بی بی سی مصاحبه می نماید و هزاره جات را و صدای آن قسماً بگوش جهانیان میرساند که همگی ما مصاحبه را در سنگر شنیدیم ، در هنگام کاروان دومی به پیش بلدی کربلائی اقبال سرپرستی عبدالصمد اکبری که از طرف تنظیم در امور گستید نز تربیه شده بود فرستاده میشوند و آن گستید نز را نیز برای پخش اعلامیه و مکتوب همرای شخص موصوف ارسال کردند و سایل مختصر حربی و چند میل تفنگ و پنجاه عدد بمب نیز همرای این کاروان دومی است که آن هم صحیح و سلامت بمنزل مقصود میرسند. تعداد از کارتوس ها در شورای اتفاق هم فرستاده میشود و هیأت که در وایزنگی رفته بود و هم موفقانه عودت می کنند که متعاقب آن چندین قافله از راه بادینی و جاغوری در هزاره جات میرسد که در یکی ازین کاروانها غلام حسین رضوانی نیز است که او هم بود که بیانیه پرشور را در جاغوری ایراد نمود که متعاقب آن مکتوب خصوصی توسط سید حسن فاضل نوشته می شود که او را یا ترور نماید و یا همرای مجاهدین نگذارند که خودم آن مکتوب را مطالعه کردم ولی غلام حسین رضوانی بعد از مسافرت از راه قره باغ در تیرماه آن سال در پشاور رسید و بعد سوی ایران رفت.

که بعدها مفقود گردید که تاریخ آن تیرماه سال ۱۳۵۹ میباشد در هرصورت بنا بر وحدت سراسری که وجود داشت همان ارتباط گسترش بیشتر می یافت درهمین سال یکدسته کوچک از جریکهای « نهضت » نیز بهمکاری اتحادیه درجاغوری رسید همکاری های جوانمردانه هزاره های کویته وتنظیم دراوایل ماههای ۱۳۵۸، تاثرات شگرف را روی دلهای مردم می نهاد شور وشعف همکاری وهمدردی بیش ازحد میان مهاجرین هزاره واعضای تنظیم واتحادیه مجاهدین دیده می شد که تاریخ نمیتواند فراموش کند ازسوی دیگر رشد گروهای کوچک به هزاره ها درایران وپاگرفتن آن ها رشد سریع شعور سیاسی طلبه ها و ملا ها را نشان میداد که باعث امید مردم می گردید ازانجایکه اغلب درفقر فرهنگ و ناخودآگاهی ملی گرفتار بودند، جمعیت های ما درایران تحت تاثر جو آن قرار گرفته به توهمات سردچار شده و درفکر ارتباط باشخصیت ها ومجامع جهان وملت های سیاره ما که شیفته عدالت و آزادی اند نه افتادند وحتی مسأله را خوب درک نکردند این کمبود موجب گردیدکه ازمیراقیانوس تحولات نیرومند پنج براعظم برکنار مانده افکار ضدروسی ملتهای شیفته آزادی را متوجه نشوند. حتی به این فکر هم نه افتادندکه آیا بعرض ارتباط باملت های سیاره ما درپشاورکه شهرت بین المللی دارد، دفتر باز کنند یا نه ؟

بعقیده نگارنده ازدولت وملت ایران بحیث یک حق مسلم همجواری واسلامی کمک خودرا می گرفتند بدون آنکه ازمساعدتهای مؤسسات سیاسی دنیا محروم شوند.

کراین ندات خود برای ملیت مظلوم و درقفس، هزاره جات زبان منداست که برای

اندیشه‌مندان آینده آن یک رنج عظیم سیاسی خواهد بود، زیرا ملت هزاره را بازنگهداشتند سرانجام بعض گروه های تازه کار را شرایط ملی و بین المللی از مسیر اصلی رودخانهٔ انقلاب ملی خواهد راند اما تا آن زمان خیلی فرصت ها از دست خواهد رفت وخیلی داده ها عوض خواهد شد، هر روز دیر شده میرود که باید می کردند.

چونکه مساعدتهای دولتها و ملت های که در خط سیاسی ضد روس هستند در آخرین تحلیل حق مسلم ملت ما است ولی شرط آنست که چطور ازان استفاده کرد برای اینکه در پیرامون سازمان های آگاهی داشته باشیم اینک برای معرفی ایشان میپردازیم.

۲- سازمانهای هزاره جات افغانستان

۱- «کانون مهاجر» جمعیت از طلبه های روشن بین هستند که با سازمان های دیگر شیعیان افغانستان تفاوتهای نسبی دارند. عدهٔ از اعضای دست اول این ها قبل از پیروزی انقلاب ایران شجاعانه بکسب دانش ادبی فارسی همت گماشتند، برای رسیدن بهدف که در قلب هریک زبانه میزد در اواخر زمستان سال ۱۳۵۲، چند حلقهٔ آموزشی ادبی را در قم، تهران و مشهد عیار ساختند [illegible] از حکایت سلمان رنجبر در ماه حوت همان سال اعلام موجودیت [illegible] ۱۳۵۸ موفق به نشر جریدهٔ پیام مهاجر شدند بعد از طول هشت ماه با جمعیت دیگری بنام «جنبش اسلامی مستضعفین افغانستان» ملحق گردیده اسم «جنبش مقاومت» را اختیار کردند که ۲۶ شماره از جریده مذکور در ایران نشر گردید.

تا اینکه دولت حزب جمهوری اسلامی ایران به توقیف نشریه پرداخت ومن بعد دفتر مزبور را بسته وتن چند از کارگزارانش را زندانی نموده. "جنبش مقاومت" جزوه های پراگنده بعنوان "جوالی" "افغانستان" تحریر و ترجمه کرده است با تجدید چاپ کتاب "افغانستان در مسیر تاریخ" آقای غلام محمد غبار معلوم شد که در مسایل ملی رغبت خوبتری را از خودنشان میدهند. شخصیت های فعال وجوان این دسته آقای علی زاده ، سلمان رنجبر،... رحمانی برهانی وغیره بودند .

۲- "انجمن اسلامی دانشجویان افغانستان خارج از کشور" گروهی اندک مشابه جنبش مقاومت کار سیاسی می کند، نشریه را بعنوان "۳ حوت" نشر کرده اند که بعد از سه شماره متاسفانه بواسطهٔ دولت ایران از آن جلوگیری نمود. انجمن مذکور جزوه را که "آریانا نام تاریخی افغانستان" است نشر کرده اند .

۳- "سازمان نصر افغانستان" که قبلاً هم در آن اشاره رفت به سرپرستی میر حسین "صادقی" ترکمنی بعد از اعلامیه در سال ۱۳۵۸ علناً پا بصحنهٔ تاریخ سیاسی کشور نهاد که در بین این تشکیلات عناصر فعال و پرشور ایفای رسالت دارد، از حیث کمیت میتوان از آن بصورت چشمگیر حساب برد، جمعیت مزبور در خطوط فکری خویش از خط سیاسی "آیت ... خمینی" پیروی می کنند وجریده را بنام "پیام مستضعفین" انتشار میدهد که تاکنون 24.7.1983 در ایران نشر میشود وبعض رساله های چاپ کرده اند .

۴ ـ « تنظیم نسل نو هزاره مغل » در سال ۱۳۵۸ برهبری غلام علی حیدری رویکار آمد که در مسئلهٔ افغانستان به ارتباط اتحادیه مجاهدین اسلامی افغانستان سهم بارزگرفتند که قبلاً هم ازان بحث شد.

۵ ـ « اتحادیه مجاهدین اسلامی افغانستان » یکنگ تنظیم بریاست عبدالحسین مقصودی ساکن ناور بتاریخ سال ۱۳۵۸ به فعالیت خود آغاز کرد که از چگونگی آن شرح گردید.

۶ ـ « اتحادیه مجاهدین اسلامی افغانستان » منشعب از همان اتحادیه تنظیم بیبا شدکه گردانندگان عمدهٔ آن دراوایل اینجانب ، عنایت الله صفدری ، حاجی شیر آغا ، حاجی حسین علی و حاجی غلام رسول بودند که بتدریج عناصر تعلیم دیده بنابر اشکالات ازان جدا کار شوند آخرین شخص که من بودم بعد از برج جدی سال ۱۳۶۱ بصورت جدا کار خود ادامه دادم که البته درمرام کدام اختلاف وجود ندارد و اشکالات دیگری است که در رسالهٔ جداگانه توضیح خواهد گردید.

۷ ـ شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان » که بارتباط اعضای اتحادیه بوجود آمد دراوایل تمام هزاره جات را در اختیار داشت با آنکه با تمام معنی قدرت مردمی خود را تمثیل و تبلیغ نمیتوانست جریدهٔ مفید را در ایران چاپ مینمود. بجهت پراگنده شدن اعضای کمیته فرهنگی آن از نشر باز ماند که از جمله اعضای مهم آن نادر علی مهدوی است ، پست ریاست آن را « سید علی بهشتی » دارد که دفتر عمده خارجی شورای اتفاق درکویته پاکستان توسط عبدالصمد اکبری اداره میشد.

۸ - «جنبش اسلامی مستضعفین» در سال ۱۳۵۸ تشکیل شده مسئولیت عمده آن را عبدالحسین اخلاقی داشته است و شنیده میشود که قسمت از آنها جناح دومی را بهمان عنوان عاقلی بوجود آورده است .

۹ - «حرکت اسلامی افغانستان» را آیت الله محسنی قندهاری عهده دار میباشد از حیث کمیت قابل ملاحظه اند، مجله را باسم «استقامت» دارند .

۱۰ - «نهضت اسلامی افغانستان» در سال ۱۳۵۸ بقیادت آقای علی رحیمی و شیخ علی یاور افتخاری از ساکنان جاغوری بوجود آمد، مجلهٔ ماهنامه دارند که بیانگر نظرات آنها است .

۱۱ - نهضت روحانیت و جوان (رجا) نیز دفتر در کویته دارد که سرپرستی آن را آقای نقوی ارزگانی عهده دار است .

۱۲ - «رعد» گروهی است که در سال ۱۳۵۸ توسط شیخزاده خزاعی اداره می شود .

۱۳ - «نیروی اسلامی افغانستان» در سال ۱۳۵۸ اعلام موجودیت علنی نمود .

۱٤ - «نیروی انقلاب افغانستان» منشعب از نیروی اسلامی بوده است که تدارکات آن را حسن کریمی داشته است .

۱۵ - فدائیان اسلام «جمعیت تحت اداره سید علی اکبر مصباح میباشد .

۱۶ - «فدائیان امت مسلمان افغانستان» گروهی تحت سرپرستی رضای ترکستانی میباشد .

بسم الله الرحمن الرحیم

۱- جوانب تاریخی :

هزاره ها از دوهزار چهار صد سال بدین سو در طی ازمنه های قرون تشکیلات های اجتماعی عصر و زمان خود را داشته اند که نمای دیوار قلعهٔ سه منزله دوازده برجه تپوره اشبر قلعهٔ دایه. بناهای تاریخی شهر بامیان شاهد عینی است. زمانیکه مستقل بودند و قسمت امور تسلیحاتی از امروز کرده که آغاز دهه هشتم قرن بیست میباشد وضع بهتر داشتند ولی صد سال قبل از سال ۱۹۸۳ کنونی بوسیلهٔ عوامل استعمار متلاشی گردید چنانچه ۹٤ سال قبل در بهار سنه ۱۳۰۸ هـ ق نموه خود آگاهی ملی خویش را در برابر امیر عبد الرحمن خون آشام چنین تبارز دادند.

" اگر شما افغان ها به استظهار امیر جسمانی خود مغرورید ما به استظهار امیر روحانی خود یعنی صاحب ذوالفقار مغرورتر میباشیم ... صفحه ۱۹۷ تاج التواریخ " که در رابطه سراج التواریخ چنین شرح میدهد :

" مقارن این حال نه (۹) تن از مردم ارزگان که از مکنت و قوت پادشاهی غافل بودند مکتوب به سردار عبد القدوس خان فرستادند که بیاری پنج تن آل عبا ما مردم بی دستگاه خود را دولت پنجم دانسته و آوازه این دولت پنجم را بمعاونت شاه اولیا گوشزد خلق خدا خواهیم کرد و امر پادشاه افغان را گردن نخواهیم نهاد ... صفحه ۷۳۵ که اسم های نویسندگان درج تاریخ است که اکثرا شهید شدند. که بعد از شکست قطعی اسناد و مدارک تاریخی و فرهنگ ملی و سازمان های اجتماعی ایشان ضربات جبران ناپذیر که در طی

۱۷ـ « اسلام مکتب توحید » بوسیلهٔ « سید اسدالله نکته دان » نشریات منظم دارند و جزوات را نیز چاپ کرده و تبلیغات آن بیشتر علیه اسرائیل و امریکا است و خود را پیرو خط امام خمینی میدانند .

۱۸ ـ انشعاب در گروه اسلام مکتب توحید بوقوع پیوسته که با نام عنوان سلحت رهبری آقای هاشمی فعالیت میکند .

۱۹ ـ « فلاح » گروهی است که رهبری آن را اعضای منشعب شاخهٔ « شورای اتفاق » مثل معلم بابه و عبدالحکیم صمدی عهده مندانند ولی شنیده شد که باز هم از هم جدا افتادند .

۲۰ ـ « حزب دعوت اسلامی » در سال ۱۳۵۸ بر اثر فعالیت شیخ حسین قره باغی و نور احمد تقدسی در صحنه ظاهر گردید که فعلاً تقدسی بسمت نماینده سپاه پاسدار ایران را در مدهٔ ترکمن وارد و معلوم نیست که مسئولیت دعوت را دارد یا نه ؟

۲۱ ـ « سازمان مجاهدین خلق افغانستان » به ارتباط مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۵۸ رویکار گردید همراه جبهه آزادی بخش داخل افغانستان شده مدتی در کجاب بهسود بر ارتباط محسنی و فرزند بالش « امینی » در اینجا مستقر بودند بنابر اشکالات که مردم به آنها داشتند اسم خود را به مجاهدین مستضعف عوض کردند . آنها امریکا را دشمن عمده افغانستان خیال می کنند . اعضای مهم آن را احمدی نام و علی پور ، عبدالله واحدی ساکن باد آسیاب بهسود معروف بجریمی و لنگری هم متعهد اند .

۲۲ ـ « سپاه پاسدار » تشکیلات تحت اراده و رهبری سپاه پاسدار ایران و بعض وقت

عکس های از شهدا را بنام انقلاب اسلامی افغانستان بشکل پوستر چاپ میکنند اکثر اعضای آن از توده های ساده وبعض طلبه ها وآخند های مقیم ایران هستند انتخاب شده است البته شیخهای مثل نوراحمد تقدسی و محمد اکبری ورسی نیز درآن سهیم اند که دشمنان ایشان میگویند ازان ها بحیث مهره ها استفاده می شود .

۲۳- « روحانیت مبارز افغانستان » عنوانی است که سپاه پاسدار ایران بسرکردگی هاشمی ایرانی مسئول واحد نهضت ها عدهٔ از طلبه ها و روحانیون مثل محمد « اکبری » وقربانعلی محقق وغیره کسان را تحت سازمان دهی دارند وشنیده شد که اکبری را بحیث رهبرآن تدارک دیدند . در رابطهٔ شایعه پیچید که هاشمی با رتباط « توده ها » تحت تعقیب قرار گرفته است .

۲٤- حزب الله « جمعیت است که مسئول آن » مردان بخش وثوقی « ساکن جاغوری میباشد وقرآن درکویته است همرای محاذ ملی ارتباط دارند .

البته قابل اعتراف است اغلب سازمانها وگروهای یادشده کوچک بوده وبعض ازان ها درحال متلاشی شدن میباشد .

۲۵ - شورای فرهنگی اسلامی افغانستان بتاریخ (۸) عقرب سال ۱۳٦۲ مطابق (۳۰) اکتوبر ۱۹۸۳م توسط انجناب محمدعیسی غرجستانی ، حجة الاسلام والمسلمین مهدوی شهرستانی ، جناب حجة الاسلام والمسلمین شهید فصیحی بهسود ، آیت الله محسنی بهسود ، مدیر رستم علی باجمعی ازدوستان روشن فکر تأسیس گردید که تاهم اکنون کارشورای فرهنگی جاریست .

۲- جریان کارهای سازمان ها

بر علاوه گروهای فوق الذکر شخصیت ها و حلقه های خرد و ریزه از هزاره جات به ارتباط احزاب هفت گانه و سه گانه دست اندر کار اجتماعی اند از سوی دگر عناصر روشن ضمیر این ملیت هم بیکار نبوده حوادث تاریخی فعالانه شرکت کرده می کنند و کار اجتماعی آن ها بیک وهستند خودشان ادامه دارد.

جمعیت های مثل حزب الله، تنظیم، اتحادیه ها، شورای انقلابی اتفاق اسلامی، وقسماً هم نیروی اسلامی. در کویته پاکستان مقر دارند هم اکنون نیروی اسلامی فصیحی به ارتباط حزب اسلامی نیز کار می کند. و بقیه از طریق ایران کار می کنند. سازمانهای اسلامی ملی هزاره جات افغانستان در اوایل اغلباً همرای همدیگر همکاریهای صمیمانه داشته اند، قبل از آنکه نیرومند گردند از " اتحادیه مجاهدین اسلامی " اسلحه گرفتند. شیخ امان فصیحی نماینده فعلی شورا در جاغوری از جمله عضو برجسته اتحادیه بود، عبدالصمد اکبری نماینده مهم شورای اتفاق بحیث رئیس اتحادیه در اول ایفای وظیفه می کرد و در ارتباط اتحادیه و با مصارف آن استعمال گسترش نیز یاد گرفته آن را همرای خود در جاغوری هزاره جات افغانستان نقل داد. همچنان ما ناظر بودیم که محمد علی بابه قره باغی و عبدالحکیم صمدی بحیث نماینده های شورای اتفاق در ایران رفتند و مدتی در دفتر شورا کار کردند. مقاله های از عبدالحسین اخلاقی

وشیخ علی یاور افتخاری که اولی رهبر جنبش و دوم رهبر نهضت هستند ، در مجلهٔ ذوالفقار
تنظیم دیده میشود و سید میرحسین فصیحی همرای اعضای سازمان نصر ، نشست های
داشته اند ، همواره افراد حرکت اسلامی توسط خط های خصوصی ، شیخ آصف
محسنی ، از طریق سید حسن فاضل سرپرست اتحادیه و نماینده امام خمینی در کویته کمک
می شد ، محمد حسین صادقی نیلی وایکندی از جمله بنیان گذار های شورای اتفاق است ،
حتی نشست های همرای سازمان مجاهدین خلق داشته اند ، در شروع همچنان ما دیدیم
که از طریق بعض روحانیون طراز اول ایران مثل آیت الله منتظری طرحهایی در اوایل
بهار سال ۱۳۵۹ هجری شمسی برای وحدت ایشان ارائه گردید درباره اتحاد دادن
گروه های موجود آن زمان کوشش های پیاپی برده شد همچنان صندوق کمکی را بنام جبهه آزادی
بخش تدارک دید تا ملت بزرگ ایران از طریق آن بمجاهدین افغانستان کمک نمایند که در
نتیجه از مجموع تشکیلات های کوچک ، جبهه آزادی بخش ، را موقتاً بوجود آوردند بیشتر از
همه آقایون مثل قطب زاده و ابوالحسن بنی صدر ، بدان کدام منظور در مسالهٔ افغانستان
مجاهدت های صمیمانه و دلسوزانه را نمودند . تجاوز روسیه شوروی را علناً محکوم کرده اعلامیه
بسطح دولتی پخش کردند ، حتی شنیده شد که آقایون مثل صادقی وغیره را آقای قطب زاده
بیکی از کشور های خارج بعنوان اعزام کردند که در مساله افغانستان معرفی گردد و علیه استعمار
گران روسیه کار شود ، ملت متدین و شریف و نجیب و قهرمان ایران در مجموع از
ملت افغانستان حمایت نمودند سهولت های را برای مجاهدین در اوایل فراهم کردند بخصوص

شخصیت بزرگ قطب زاده که وزیر خارجه دقت ایران بود کمک ها را برای مهاجرین و مجاهدین افغانستان بپای رساند، او همرای بنی صدر از جمله دشمنان سرسخت استعمار روسیه در ایران محسوب می شدند و ما دیدیم که سرانجام روسها توانستند از او بوسیله عمال خویش انتقام کشیده و بپای دارش ور زندان «اوین» برسانند که در اعدام آن حزب توده سهم فعال را داشته است.

٤ - تبارز اختلافات

در هرصورت گروه های اسلامی هزاره جات افغانستان در ماه جوزای سال ۱۳۵۹ مطابق (۱۹۸۰) از استقامت زاهدان وکویته و یادینی با مقدار تجهیزات بکمک حاجی حسین علی و حاجی غلام رسول که هردو عضو مهم بلکه رهبران اتحادیه منشعب شده بودند عبور کردند و

سهم بارز گرفتند.

درهمین سفر اعضای مخفی حزب توده ایران باسم کامران از طرف سپاه مسئولیت گروه ها را بعهده داشت ضمن چند میل اسلحه گروه های ما گم شد، در رابطه آنها حاجی رسول را گروگان گرفتند، پس از قال وقال وبازجوئی موفق می شوند که برعلاوه اسلحه های خویش امکانات را از شخص مزبور اخذ بدارند.

همزمان سازمان های مذکور توانستند که عده از اقوام و دوست و همرزم خویش را در ایران تعلیمات چریکی بدهند، عده زیاد مردم بکار بردن اسلحه را یاد گرفتند که تعداد این گونه تعلیم دیده ها در حدود چند هزار نفر میرسند که بیشتر آنان مربوط سازمان های نامبرده اند.

صفوف سازمان ها روز بروز نیرو میگرفت که هرکدام در سنگرهای نبرد ضد روسی دراوایل حماسه های آفریدند که بهترین افراد هریک شهید گردیدند که ازجمله میتوان (۹) تن شهیدان عالی مقام مبارزان نصر هزاره جات را درقریهٔ ارغندی کابل مطابق (۶) برج میزان سال (۱۹۸۱) میلادی یادآور شد که ازجملهٔ آنان شیخ محمدعلی دانش ولد عیسی خان ساکن لوُره قوم چوکاله پسرعموی اینجانب نگارنده میباشد که درتمام خانواده ما نسبت تقوی وصداقت حسن نیت خود از احترام شایسته برخوردار بود. وارد شدن گروهای تندگررفته دراوایل امیدهای زیاد را برای عوام بار می آورد مردم ورؤسای جبهه مثل حاجی نادرعلی الله داد ورئیس غریبداد از ایشان با پذیرائی خاص استقبال کردند بخصوص حاجی نادر تمام مصارف آنها را ازحوزه می پرداخت .

سازمان ها که از تجارب سیاسی وتاریخی برخوردار نبودند وکسی هم مانع فعالیت آنان نمی گردید بدون درنظرگرفتن مصالح ملی هزاره جات تضادهای خود را درجبهه های جنگ تبارز دادند یا با اصطلاح دیگر اختلافات خودرا از ایران به افغانستان نقل داده با دگشتند وطوفان درو کردند، بعض از افراد نایاب بعض گروها بمجردیکه درمنطقه های آزاد شده مستقر شدند به اذیت مسافرین موتران ها وخود مردم پرداخته بگرده باجگیر تبدیل شدند که این بنفس خود عقب افتادگی سیاسی آنان را میرساند .

با آنکه دربین سران سازمان ها شخصیت معتبر فعالیت داشتند که اغلب مسائل را میدانند عجیب است هراندازه که خود را در مناطق استحکام میدادند در برابر مردم وگروهای رقیب موقف غیراصولی راگرفته سردچار محدود فکری های شدند که واقعاً تأثر آور است درحالیکه بعض از

علمای هزاره و شخصیت های آن که کم اند از اغلب احزاب پیشاور نشین رقیب دانشور تراند و بخصوص در مسایل امور دینی تجربه بیشتر دارند ولی عوامل در درون بعض این سازمان ها رخنه کرده که عملکرد بخش از ایشان واقعاً ناخشنودی است از سوی دگر بمسایل ذیل آغشته اند.

۱- بیک تسمم فکری گرفتار شدند که تمام روشن فکران وگروه های سران جبهه را نایاب خیال کردند.

۲- بیماری حسادت که بعضی ها داشتند علیه همدیگر تبلیغ زهرآلود بیار گونه و مضررا ادامه دادند که در سهم خود چو مسموم کننده و بی اعتمادی را کاشته طوفان در دیدند.

۳- ناخودآگاهی مصرف گیر جو انقلاب ایران شدند که با فرهنگ ملی ما تفاوت کامل را میرسانید.

٤- مداخله مستقیم سپاه پاسدار ایران که هرگروه کم اندوخته را علیه دگری آگاهانه تحریک کرده بذر نفاق را بحیث دونسته کاریدند تا جاه طلبی های خود را تحمیل نمایند.

موجبات فوق باعث نفوذ عمال نوکران روس در صفوف هریک گردید که از کاه کوه می ساختند از سوی دگر از جریان دکانال سپاه پاسدار ایران حزب توده کار خود را می نمود که درگیری های خونین را در آینده بیار آورد خاطرات تلخ تاریخی را بجاگذاشت کار را بر ضد همدیگر بدانجا کشانیدند که در خارج از کشور از داخل بعضی از ایشان گزارشات ناخشنودی را برخلاف هم در مقامات اجنبی سپردند حتی بزجر و حبس مخالفین هم دست بردند مثلاً شنیده شد که رحیمی را شیخ علی یا در افتخاری زندانی نمود بدون آنکه با عواقب

وسئولیت مصالح ملی خود اندیشه را نمود راه دهند. البته قابل تذکر است که اشخاص نفاق را بیشتر دامن میزنند که میگویند تبعهٔ ایران هستند مثل سید طاهر محقق بهسودی و علی یاور افتخاری جاغوری و ده ها اشخاص دیگر که شاید ردی درک چنین مسایل است که یکی از جناح سازمان نصر می نگارد :

" ما همانگونه که ناسیونالزم مبتنی بر راسیزم و فاشیزم را ضد انقلابی و ضد اسلامی میدانیم انترناسیونالزم کور و مستضعف فریبانه را که تحت پوشش صدور انقلاب خلع ید از انقلابیون راستین ملت های مستضعف پرداخته و با زیر پا گذاشتن حق حاکمیت ملت ها و بدون کمترین شناختی از موقعیت کلی کشورها به تسلیح ارتجاعی ترین و ضد انقلابی ترین دار و دسته ها می پردازند، هم شرقی و هم غربی میدانیم. گو اینکه روسیه تحت همین عنوان و پوشش به افغانستان و کشورها لشکر میفرستند، و یتنام در ظل همین توجیه به لشکر کشی در کار می پردازد .... صفحه ٤، شماره ۱ و ۲ ، پیام مستضعفین " سپاه پاسداران ایران هم تحت چنین عنوان در مناطق آزاد شدهٔ هزاره با استفاده از دست آورد خلق مستضعف ما پایگاه های نظامی در ارزگان، بهسود و صفحات شمال و غیره به ها مستقر می کند که بر ملا مداخله است نه کمک. باز هم در مورد نویسنده مقاله مزبور علاوه می کند :

" حضرات که در مدرسه های عریض و طویل ایشان اسم خمینی را بردن جرم محسوب می شد و بزرگترین جرم و از بلند گوهای مساجد شخصی شان دعای " تخت و بخت پادشاه جوان بخت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه برقرار " هرگز قطع نمی شد و با کمال زبونی و ذلت جبین تسلیم بر درگاه طاغوت

می سایدند ولی امروز از استقامت در جهاد سخن میگویند و با آنکه عمری را در راه شرک و نفاق گام برداشته اند، بعداً صدا فریاد توحید و اتفاق سر میدهند و پس از عمری سکوت خائنانه سخن از «نهضت» گفته و مسلمانان را به انقلاب «حرکت» دعوت مینمایند. اینان بسکوت مرگبار خویش کار قیصر را به قیصر واگذاشته بودند و بنام جنایات و پستی های حکام و زمامداران مهر رأی صحه تأیید و مهر موافقت کوبیده بودند.....»

بعد صریحاً یاد آوری می شود که «انترناسیونالزم فریبی است برای جهانی ساختن استعمار» در ادامه مثال میدهد که:

«انقلابی مسلمان ایرانی شعار میدهد همه تفنگ ها بسوی امریکا - بی شک انقلابی ترین شعار در ایران است، اما مجاهد افغانستانی اگر بخواهد سهم خویش را ادا کند، او حق ندارد طوطی وار فقط به تکرار بپردازد... هر گروه، سازمان و دار و دسته که بخواهند با هر عنوانی که روسیه را از یاد مردم افغانستان ببرند بی گمان ماموریت دارد.»

«آیا ما در افغانستان حق نداریم تلاش آنانی را که با عمده کردن خطر امریکا در مقطع کنونی تاریخ ما می خواهند نفرت و انزجار و خشم توده های مستضعف مسلمان ما را بر ضد روس کاهش دهند تلاش عوامل روسی بدانیم؟»

«انقلابی مسلمان افغانستانی قبل از همه باید زمینه کارش را بشناسد تاریخ تحولات اجتماعی کشورش را به پیش رو بگذارد و شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و سایر ویژه گی های مردمش را شناسائی کند تا بتواند وجوه مشترک خویش را با جنبش های

جهانی دریابد ونقش انقلابی خویش را بخاطر رهائی مستضعفین ومحرومین درمقیاس جهانی انجام دهد"

" انقلابی مسلمان افغانستان باید خود را مواد مورد نیاز خویش را انتخاب کند وصرفاً یک مصرف کننده بی شعور نباشد وگرنه بگردرصدها جلد کتاب یک نویسنده را به او خواهند سپرد و روز دگر آن را جمع خواهند کرد وتنها عایدی که ازین تعامل صورت خواهد گرفت صدور نزاع ها و جنگ وجدالهای سیاسی خواهد بود ونه صدور انقلاب وتنها محصول آن ازخود بیگانگی جنبش ومشت زدن در تاریکی .

انقلابی مسلمان افغانستان باید روابط ومناسبات خویش با سایر انقلابیون ومبارزین بر مبنای هم بستگی برقرار کند ونه وابستگی ، اگروا قعاً خواستار نجات مردم خویش است و اگر انقلاب و مبارزه را سوداگری وکاسبکاری نمیدانند ، واگر عقده حقارت را در خود کشته نتوانند وجسارت انقلابی در خود ایجاد نکنند هرگز قادر به ایجاد تغیر وتحول و انقلاب در مردم خویش نخواهد گردید .

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ . صفحه ۲، ۱۰ هانجا

خودآگاهی ملی درشرایط حساس کنونی برای یک افغانستان مجاهد ازجمله فرضیات است زیرا اگر وجدان ملی ما از دانش سیاسی عصر حاضر سیراب نگردد بیک ناخودآگاهی مصرف کننده تبدیل میگردد که درهرات ومناطق هزاره جات بخاطر تقلید های میمون وار بودیم که درجمله اکبری درس در بهسود وآقای اکبری ایرانی در ترکستان جنایات بزرگ را فراهم کرد که شاهد مدعای تاریخ است که درمجموع همه را علیه تشکیلات های غیر وابسته بخط سیاسی

ادوار بصورت مذهبی مقاومت خود را مخفیانه تبارز میدادند که معروفترین عنصر مذهبی ایشان
« سید میر علی احمد » همرای شخصیت های آن دوره بنا های مذهبی ابوالفضل را در
مراد خانی و یاد و بود گذر حضرت علی (ع)، را در دامنه کوه کارته سخی کنونی گذاشتند.
بنا به اختناق عظیم سیاسی وستم مذهبی و ملی برگذاری مراسم این مردم نهایت مخفیانه
صورت می گرفت. لذا خطر آسیب دیدن فرهنگ اجتماعی مردم میرفت. بعدا نظر
به تغیرات سیاسی جهان و منطقه علنی گردید و آنهم در مجموع بسود سیاست دربار ختم
میگردید پس از سالهای ۱۳۴۲ حلقه های سیاسی با استفاده از قانون اساسی
جوانه زدند در جریان دهه پنجم قرن چهاردهم ۱۴ هجری شمسی بعض روحانیون و
کارگران شریف هزاره در ایران، عراق، سوریه، لبنان و عدهٔ در آلمان،
دانمارک و انگلستان دست به تشکیلات گروهی زدند که نمونهٔ بارز آن « هزاره
منگول اسیوسی ایشن » در دنمارک « شباب الهزاره » در نجف اشرف عراق
و چاپ کتاب « الهزاره والافغانیون » در کاظمین می باشد... مقدمه کتاب
هزاره »

که همکاران شباب الهزاره قربانعلی یکاولنگی، سید غلام حسین موسوی، عبدالحسین
اخلاقی، شیخ محمد علی مدرس بودند. که هم اکنون بعضی ایشان تحت تاثیر جو دولت
ایران رفته گرایشات خود آگاهی ملی آنان صدمه دیده است. هم چنان نشانه
های در دست است که بعض از جوانان هزاره در سازمان آزادی بخش فلسطین تعلیمات
چریکی فراگرفته بودند که خود انعکاس از شور و شوق بیداری ملی بوده است.

" سپاه " ایران از غیر مستقیم رهنمون می شدند و از جانب هم گروهای بی تجربه و صادق ما را بسوی فعالیت تشویق کردند تا روسیه را فراموش کرده علیه همدیگر بنام نوکر امریکا و چین و غرب در ستیز برخیزند، هم گام افراد مشکوک تحت پوشش " سپاه پاسدار " در مناطق آزاد شده نا امنی را رواج میدادند، در مجموع جو فراهم شد که با تضاد درونی جبهه واحد در برابر دیگران اخذ بدارند .

" دفتر انقلاب اسلامی افغانستان " به سرپرستی " پیرمرادی " اگر حسن نیت هم داشت نظرات مخصوص خود را در مناطق آزاد شده صادر نمود که از هر لحاظ با فرهنگ ملی ما در تضاد می افتاد ، از طرف دیگر هرگونه افراد مشکوک از طرف دفتر " واحد نهضت ها " درین عناصر معمولی در جبهه های جهاد و مناطق آزاد شده رخنه کردند مردم بنابر وجه مشترک مذهبی در اوایل هرگونه اعمال عمال " سپا " ایران را در هزاره جات بفکر سوء نمی گرفت .

شورای اتفاق هم بر اثر عدم رجل سیاسی در بن بست گیر کرده برخوردهای ناهم آهنگ را از خود تبارز داده بجای حل مشکلات سردچار گرفتاری های متضاد می شد ، شعار " نه شرقی ونه غربی را " سر میداد و زمان با عاملین خطوط فکری " سپا " مثل " اکبری " و " صادقی " درگیر می شد ، بنابر سیل تبلیغات جمعیت های تازه وارد از ایران شخصیت های آگاه را در پهلوی خویش تحمل نمیتوانست ، در هنگام لست " سپا " بیشتر از پنجصد نفر را از یکاولنگ تدارک دیده غرق در تردد میگشت درهمین هنگام تحت تاثیر روحانیون از ایران آمده ، قرار گرفته متنفذین محلی را زندانی میکرد ، از جانب دگر

با عاملین سپاه پاسدار ناآگاهانه متحد شده شعار مرگ بر امریکا را میداد و مناسبات حسنه دولت ایران را با کشور های طرفدار روسیه شوروی چون کیوبا، یمن جنوبی، سوریه، ویتنام اروپای شرقی و روسیه درک نمیتوانست به سبک ملی خود مفاهیم سیاسی روشنی را تبارز نداد بعض روحانیون شیفته سپاه پاسدار و انقلاب اسلامی ایران که بیشتر آنان در همان مدارس تعلیم دیده اند روز بروز فزونی میگرفت حتی در سال ۱۹۸۲ بیش از چندصد نفر طلبه که در ایران تعلیم دیده را با مصارف بنام تبلیغ در هزاره جات اعزام کردند .

۵ - روزهای تلخ تاریخی یا نزاع داخلی هزاره جات

موجودیت بعض اقشار نوپیدا و ناشناس در جبهه های گرم جهاد که حرف فورمول شدهٔ خود را می گفتند با وجدان ملی مردم در تضاد افتاده هسته های نفاق را بنیان گذاری می نمود . هرچند این گونه افراد کتابهای گوناگون انقلاب ایران و الجزایر وغیره جاها را خوانده خود را خیلی دانا فکر می کردند ولی در مسایل اجتماعی و ویژگی های ملی کشور افغانستان کاملاً نا آشنا بودند این ها از قانونمندی تکامل اجتماعی و تاریخی فرهنگ کشور افغانستان هیچ اطلاعی نداشتند که افغانستان کشور چندین ملیتی است و سبک ویژهٔ خود را دارد .

همزمان با کامران ، عامل حزب توده مسئول سپاه پاسدار بنام رهنمود دهنده اسلام مکتبی در سراسری جبهه ها گردش کرده تخم کین و نفاق را کاریده میرفت همین عنصر زرنگ حزب توده توانست که از طریق سپاه و بحیث مسئول آن در مرز افغانستان مسئولیت مجاهدین را عهده دار شود و گزارشات

پیهم ومفصل ابرای باداران ارسال کند . ازجهت هم اسلحه راکه ازایران برای بعضی ها آورده بود
برای بتعویق انداختن آن بهانه پشت بهانه کرده تعلل بخرج داد هرچند روحانیون هزاره مثل
شیخ زاده قره باغی » واشال آن بمقامات شکایت بردند اما کدام نتیجه نمیداد شاید دست های
مرموز پشت پرده ازوحمایت می نمود کامران عناصر عجیب وغریب ایرانی را بنام افراد سپاه در
داخل گسیل داشت که هرکدام به نوبه خویش برای تخریب درون جبهه کار میکردند ، یکی راچینی پارک
میزدند دیگری راامریکائی می گفتند روسای جبهه رابحیث فئودال وعامل امپریالزم علامه میزدند بهرطریق
برای بنام افراد امام خمینی قلعه آهنین را در درون تخریب می نمودند از بعضی تضاد گروهای بی تجربه
استفاده کرده اسناد ومدارک بی شمار رابامعلومات وافراد از داخل بردند وبعضی ازگروهای مارا
علیه دیگری تحریک می کردند .

پس ازچندی کامران بار دوم داخل جبهه های جنگ بنام بررسی اسلامی رفت ونقشه ملسے
پایگاهی رابعنوان مساعدت درغزنی وارزگان ، بهسود ، بامیان وترکستان تدارک دید .
برنامه های بی اتفاقی را در درون جبهه های جنگ ضد روسی راتهیه وعوامل دشمن مارا ازطریق
ایران باسم » سپاه پاسدار « درسنگرها اعزام داشت . ازان جائی که عاشق کوراست
گروهای نوپا هرگونه اعمال ودسیسه اوبعوض دستورامام خمینی می پذیرفتند چونکه مسئول سپاه بود
عمده ترین رهنمود های وی قرارذیل است .

۱- اطاعت ازخطوط سیاسی » امام خمینی « شرط اسلام مکتبی است .
۲- گروها واحزاب غیرخط امام امریکائی اند .

۳ـ ملی گرائی در اسلام نیست .

٤ ـ اربابها و فیودال هزاره خطرناکتر از روسیه اند .

۵ ـ گروهای افغانستان فاقد صلاحیت و رهبری اند .

٦ ـ اکثر روشن فکران و روحانیون هزاره مشکوک اند .

۷ ـ امپریالیزم امریکا خطرناکتر از همه است . درحالیکه کشورهای اروپا و امریکا از مجاهدین حمایت میکردند .

سه مواد اول و هفتم با مصالح ملی ما کاملاً منافات دارد بجهت آنکه سه حزب ملی گرای معتقد را از اهل سنت و جماعت میباشند و احزاب هفت گانه بنا بر سبک مذهبی خویش پیرو خط امام شده نمیتوانند بقیه مواد وحدت ما را بتحلیل برده دشمن عمدهٔ ما روسیه را از صحنه گم می کند و مسیر مبارزه را تحریف مینماید از روسیه که کشور ما را اشغال کرده است اسم برده نمی شود و در آخر کلام کسی برما اعلام نفاق کرده در امور ما مداخله می کند از آن پس در رابطه علیه سرداران ملی ما توطئه کرده اند .

بدین نحو توطئه پی توطئه ادامه دارد ، شورای اتفاق مورد هجوم افکار واقع می شود و از سوی دیگر شورای اتفاق همانند مریض کفایت بخرج داده نمی تواند قوماندان عمومی آن محمد اکبری ، درس ، بنودی تحت تأثر جو تبلیغات هرگونه عوامل در آمده علیه شورای اتفاق موقف اتخاذ می کند حتی خود شورای اتفاق ناآگاهانه بقید و بند کسانی می پردازد که علیه استعمار شهید داده و جنگیده بودند شورای اتفاق بعض وقت وسیلهٔ سرکوبگرانه از طرف سپاه می شود که در پهلویش جنگیده بودند .

البته نفوذ کهنه کاران بعداً کار خود را کرده افراد های قبیل سید امین عارف را والی جاغوری مقرر نمود بعضی مقرری های دگر بمنافع دست پروردگان سپاه تصادم میکرد. موقف گیریهای متنفذین و خوانین انعکاس ناهمگون را بارز میداد، از سوی دگر «محمد اکبری» برای منحل کردن جبهه بهسود والی آنها آنجا تعیین شد، طی سخنرانی که بعضی ها به او یاد داده بودند بزرگان بهسود را تکفیر کرده اعلام اعدام و حبس آنها را داد. دیری نگذشت که مردم خود او را خلع سلاح کرده و بعد از یک گوشمالی مختصری بنابر مصلحت قوم اسلحه اش را پس داده بیرونش راندند، بزرگترین وسیله عوامل روس خنثی گردید که تاریخ آن سال ۱۳۵۹ هجری شمسی مطابق ۱۹۸۰ میلادی است ولی عاملین سپاه از درون شورای اتفاق را وادار کرد تا شش صد برادران ما را بحمایت از اکبری در جنگ بهسود گسیل کند، مردم بهسود در برابر چنین توطئه هولناک رضا کارانه ده هزار نفر (۱۰۰۰۰) بحمایت از رئیس جبهه خود برخاسته آن ها را عقب زدند، وسیله دگری هم نقش برآب گردید، در رابطه هیأت از طرف شورا معین گردید که عبارت می شدند از بزرگان ترکمن بسرکردگی میرخادم حسین، حاجی نادرعلی الله داد و سید جگرن که تا موقف ارباب غریبداد و اکبری را در بین مردم معلوم نمایند. هیأت باصلاحیت قریه بقریه بهسود گردش کرده همه جانبه دریافتند که غریبداد محبوب مردم میباشد هیأت پس از بررسی موضوع را مفصل بورس توضیح دادند. بحث و مشاجره زیاد روی موضوع صورت گرفت، در نتیجه شورای اتفاق بنابر نفوذ عوامل اجنبی چنین پذیرفت که موقتاً اکبری بحیث والی کار کند من بعد بجای او کسی دگری انتخاب خواهد شد، شیخ محمد اکبری که وسیله دست گروها نیز بود در همان مدت کوتاه تشبثات ضد

• بمصالح ش نموده مسافرین را سور تعدی قرار میداد ، روز نامه نگاران اروپائی را نمی گذاشت که از مناطق دیدن کند ، کتابهای اینجانب را از نفرار تباط اتحادیه برود گرفته موتر ران اتحادیه را نهایت بیرحمانه لت وکوب داده بود کتابها که از راه دره ترکمن به پنجشیر فرستاده می شد درحدود وکمتر از هزار جلد می شد حبس و غصب شخصی مذکور شد مدت تقریباً یکماه موتر اتحادیه در انجا بندی ماند که در رابطه لت وکوب موتر ران و اذیت مسافرین افراد های بعض گروه معلوم الحال نقش فعال گرفته بود ، هم چنان عدهٔ زیاد را از شخصیت های آزادی خواه و گمنام توسط محمد اکبری بقتل رسید که شاید استخوان مرده های آن تا هنوز دران دره ها باشد ، درتمام این تصمیم گیری افراد سپاه پاسدار ایران دران جا حضور داشت و یک جو تقلید ایرانی گفتن بدان جا محسوس می شد که ناگهان سطوح توطئهٔ علیه سید علی بهشتی چیده شد که برای اجرای آن نامه را به محمد حسین " صادق نیلی " فرستاد تصادفاً نامه بدست شورای اتفاق رسید که او دابیلاد کرد سید که مسأله را دانست فوراً شیخ محمد اکبری را عزل کرده نور احمد تقدسی ترکمنی عوض آن نصب نمود که مورد تائید حاجی نادر و میر خادم حسین نیز دراوایل بوده است .

تقدسی ترکمنی عضو حزب دعوت اسلامی دراوایل دربرابر گروه ها ایستاده گی کرده مثل اکبری آن ها را از گرد خود میگذاشت و نمی خواست وسیله مرام این و آن قرار گیرد ولی عاملین مو سپاه . از دو جهت سهمش کردند از یکطرف برایش چنان فهماندند که موقعیت ایشان حتمی است اگر تسلیم شود وظیفه به عهده اش سپرده خواهد شد . از جانب دگر بتعداد چند میل تفنگ " ۲۰۰۰ " ام یک نیازمندی ابتدائی اورا برآورده نمودند از سوی دگر

نقطه دایره گروه ای کم سابقه قرار داده بنام والی شورای اتفاق اند و استفاده نمودند تا برایم مسئولیت های عواقب شوم بدبخش شورای اتفاق بار شود. هم چنان بعض گروه ها را علیه ملی گرایان متحد کرده دستورش دادند که از او حمایت کنند و در برابر نور احمد تقدسی عهده دار امیال آنان گردد و ارتباط همرای "شیخ محمد اکبری" عامل اصلی سپاه برقرار نماید در حالیکه قبل از آن نور احمد تقدسی در زمان قاضی گری خود در منبر موعظه کرده بود که "برگ دایزنگی انار قندهار را کسی بدون پول تصاحب کرده نمیتواند" که برگ دایزنگی عبارت از اکبری بوده انار قندهار آیت الله محسنی را شامل می شد. در هنگام استقلال فکری گروه های نوپا به اسم ورسم "د اسلام کتی" و "ولایت فقیه" به تکلیف میرفت و صبغه ملی آنان صدمه میدید در رابطه کاران عاملین سپاه مایه دلسردی مردم را فراهم میکرد. نفاق روز بروز اوج می گرفت بزرگان هزاره جات تصامیم را اتخاذ کردند که تحت اداره شوری متلاشی گردد و نه مرکزیت آن را جواب دهد ولی سپاه عملیات خود را از طریق عده آغاز نهاد که از جمله آن ها -

محمد حسین صادقی نیلی است او در سال ۱۳۵۹ همراه با تقلید سیمون دو دار چریکهای فلسطینی دستمال گل سنگک را به سر بسته با چند حیل مسلح از ایران به استقامت زاهدان و نفتان و کویته و دلبکواه داخل دایکندی هزاره جات افغانستان گردیده اقدام به دستگیری سران مجاهد نمود. مردم که از تبعیت پرده بطمع نبوده علاقه شایان که طرح ایمان و ملا ها داشتند، همرای مردرخان و لو علام جیده سکوت، ازدی را بر استقبال وی نشناختند. محمد حسین صادقی برخلاف حسن ایمان داری در مدت عمر و رفقا و یاران اش را در دایکندی

درتعمیر تکت حبس نمود که باچنین عمل همگی را متحیر ساخت و سه روز بعد همرای چریکهای مرموز خویش سوی قریهٔ «غدیر» حسین علی «کورگه» راکه در انقلاب سهم بارز داشت دستگیر نمود و با دست های به پشت بسته بزندان که تدارک دیده بودند فرستاده بعد جانب «پشت روغ» به قصد دستگیری عبدالحکیم رفت او برای پیشگیری از ناامنی داخلی قرآن کریم را شفیع آورد ولی همرای قرآن مجید یکجا بیدرنگ بزندان گسیل گردید. متعاقب آن طرف قریهٔ «بندر» رفت مردم بی خبر از موضوع به احترام سلک روحانیت به استقبال وی آمدند که درجملهٔ ارباب حیدر نام نیز شامل میگردید. شیخ قصد دستگیری اورا نمود ولی با افراد مسلح مقاومت بخرج داد. درین جاکه توطئهٔ کارگر نشد جانب قریهٔ بعل کند رفته خادم بیگ واکرم خان خوشنک را بزندان اعزام داشت گناه اکرم خان این بود که چرا دختر حسین و زیبا جوانش را به شیخ دانشی کهنسال و هم صنفش نداده است. درحین بازگشت پیرمرد هفتاد ساله را به اسم غلام حیدر ساکن «سنگ موم» بدون موجب قید کرد و در زمان شورای اتفاق راکه خود از جملهٔ بنیان گذاران آن بود جواب داد. چیزی نگذشت که در اوایل سال ۱۳۶۰ بدون موجب همرای پشتون های منطقه درگیر شد...

شورای اتفاق هیأت را برای بررسی واقعه بریاست شیخ افکاری ولد ملا ناظر بدان صوب گسیل کرد، تا از مسلودسهای استفاده نکند زمانی که نزدیک قریهٔ صادق نیلی رسیدند یکتن از افراد نایاب او باگلوله دهن شیخ سلطان نام شهرستانی را هدف گرفت و

وبهلاکت رسانید، تضاد عمیق باخون ریشه گیر گردید.

شورای اتفاق ناگزیر جمعیت بیشتر از هزار نفر را بقیادت ارباب "سلطان قوناق درس" برای دفع غائله اعزام نمود. صادقی بدون مقاومت فرار را برقرار ترجیح داد سرانجام در اواخر ماه قوس قوای تازه دم از ایران بمساعدت صادقی رسید، مردم که متوحش شدند از همه سو بیاری شورا شتافتند. جنگ خونین برپا گردیده پنجاه و یک (۵۱) تن از مردم ضایع شد، صادقی باز گم شد درین زمان شورای اتفاق کاملاً محبوبیت خود را از دست داده بود ولی ترس از صادقی و امثال آن مردم بدنبال شورای کشیده می شدند. چیزی از موضوع نگذشت که طرح قتل و ترور شخصیت های معروف هزاره جات ــــ

- از کانال سپاه پی ریزی شده اقدامات و تحریکات مخفیانه از هر طرف علیه متنفذین محلی صورت میگرفت، هرکس بعنوان ونام های ناشایسته برچسپ میخوردند و باوجود این همه دسایس شورا نیز خود را حفظ کرد. لذا علیه شورا هم تحریکات انجام می شد. این مطابق بزمان است که پایگاه های نظامی "سپاه پاسدار" در بهسود، ترکمن، ارزگان و صفحات شمال مستقر شده است، عناصر از سپاه در هر نقطه هزاره جات کار می کند، مثلاً "آخوند مقصود" در جاغوری ایفای وظیفه دارد، ارزگان بعهده صالحی نام گذاشته شده است، در ترکمن دبهسود و سنگلاخ. اکبری، قاسمی پسر سید مصباح بارتباط تقدسی فعالیت دارند که ناگهان نفاق عظیم در صفحات شمال بوسیله اکبر آقای ایرانی مشتعل میگردد و از ساحه قریه بجنگ شیعه وسنی میرسد با آنهم کدورت ها کمی رفع می شود ولی اکبر آقای ایرانی

شرط میگذارد که سازمان همرای ازبکها صلح می کنیم که قوماندان های رشید خویش را بما تسلیمی بدهند درین جا مردم متوجه اعمال سوء اشخاص ذیل میگردد که اکثراً از ایران آمده بودند :

حاجی فلاح ، اسدی ، کاظمی ، اکبری ، علوی ، عبدالله و دانشی .

که در مرحله جنگ میان هزاره ها و چریکها شعله ور می شود و پس از چند نبرد شدیدی عدهٔ از جانبین بقتل رسیده و بذر نفاق و خونریزی را میراث میگذارند . ولی مناطق بهسود و ترکمن آبستن نزاع داخلی است ، از جمله عامل مهم نفاق سید ظاهر محقق است که عدهٔ از افراد سپاه او را نگهداری می کردند . رشوت هم در بعض حوزه ها جاری می گردد و بعض فرقه ها به باج گیر منطقه تبدیل میشود ، نعرهای گم و ترور میگردد ، که در هنگام تابستان سال ۱۳۵۲ در قریه " دهن آب پوش " نزاع محلی بلند می شود و جنگ خونین میان مردم جبهه ترکمن و سازمان های تحت اداره سپاه بلند می شود . که سه روز طول می کشد و عمال سپاه خلع سلاح می گردد ، در برخورد ها "۲۵" نفر بدیار عدم می شتابد . "ریاست جبهه جهاد ترکمن از راه سنگلاخ قصد بهسود را می کند از جایی که توطئه ها همه جانبه بوده است . در اینجا وظاهر عامل سپاه فرزند سید مصباح که عضو سازمان مجاهدین خلق است با تدارک یک توطئه ناجوان مردانه حاجی نادر و یارانش را دستگیر کرده و بسوی ترکمن اسیر میبرند . در نخست شایعه انداختند که حاجی نادر خودکشی کرده است تا ذهنیت مردم را مسموم کرده و او را ضایع کنند ولی انعکاس نفرت شدید ایشان را متوجهش کرده و بعد بر اثر قیام همه جانبه مردم زود اقرار کردند که حاجی نادر صحیح و سالم میباشد . در زمان سلطان حسین معاون غریب داد را از عرض راه خانه اش به واقع " دزد قول ".

درسالهای ۱۹۶۹، - ۱۹۷۰م، جرقه های سیاسی در داخل و خارج از کشور می جهید محافل نامنظم سیاسی وجود داشتند که بعض نشرات سیاسی را مطالعه می نمودند. که بیشتر آن درخانواده های هزاره های کابل می جوشیده، در سالهای (۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲) مطابق (۱۹۷۱ - ۱۹۷۳م) طلبه های مذهبی در کابل و نجف و مشهد مقدس در ارتباط بودند پیام رسان جنبش جوانان هزاره شمرده می شدند. که کلمات سیاسی مثل امپریالیسم و ستم ملی و تبعیض نژادی و استعمار وغیره آشنا شده جزوه های را میخواندند. رسالات حکومت اسلامی آیت الله خمینی را تکثیر می کردند ولی بیشتر ناآگاهانه در راه انقلاب ایران می افتادند. امکان دارد که حلقه های کوچک سیاسی وجود داشتند که ما ازان مطلع نبوده ایم، همانطوریکه روحانیون دور از وطن و روشنفکران از فعالیت های حلقه جات پراگنده مسلمان و ملی گرایان هزاره مطلع نبودند در همین دوران ۱۳۴۷ و ۱۳۵۲ هجری شمسی بر علاوه افراد منفرد مثل صفرعلی "امنی" حلقه های روشن فکرانه هزاره با نهایت رشادت مخفیانه کار می کردند.

درسال ۱۳۵۲ هجری شمسی حتی بین روشنفکران و روحانیون هزاره نظریه پیدا شد که اتحاد روشنفکر و روحانی این ملیت را تبلیغ می کردند روی عملی شدن چنین منظور نشست های بدون برنامه در کارته سخی واقع حویلی اسماعیل مبلغ و میرحسین صادقی غلام حسین رضوانی، محمدعلی "پارسا" مزاری و در مساجد برگزار می شد امید را در دلهای مردم میکاریدند. که شخصاً خودم ناظر مناسبات و مباحثات اجتماعی بودم و همواره وغیرمنظم شرکت می کردم از مباحثات آنها در امور اجتماعی لذت می بردم

جنگ هم چنان شعله می کشید که هم دیگر را برای راکت انداز هدف گیری می کردند این در تاریخ برای اولین بار است که در بین ملت هزاره نزاع مسلحانه برخاسته است گروها در مجموع جبهه واحد را علیه غریب داد و میر خادم تشکیل دادند، غریب داد و میر خادم نیز به عنوان دفاع از شوری موقف گرفت، در رابطه سید جگرن هفت هزار نفر را از شورای نادر در برابر گروها سازمان داد، در مجموع درین تاریخ گروها شکست یافت. آنچه که در رابطه بهره گرفت «سپاه» بود که در تمام حوادث نزاع داخلی شرکت کرده و نام «نصر» ختم نمود همچنان حرکت اسلامی که بیطرفی خود را همواره تبلیغ کرده بوده به تفوق خود می افزود ولی مردم می گفتند که در جنگهای داخلی قسماً شرکت داشته اند.

همگام با وقایع در صفحات شمال میان نصر و حرکت جنگهای خونین در گرفت بخصوص عمال «سپاه پاسدار» «هژده» (۱۸) نفر مجاهد بیطرف را بی گناه در «سوزمه قلعه» بشهادت رسانیدند و سه تن دیگری را در قریه های «بغاوی علیا و سفلی» شهید کردند که از جمله سعر و فیر محبوب قلوب مردم شیخ یحیی داد و حاجی امان الله که در تمام مبارزات ضد روسی سهم بارز داشتند. بعدازان دسته از عناصر نایاب «پیتو سپاه» باند های را بنام خود ال کشی ترتیب داده در خانه های مجاهدین با سابقه هجوم آورده و اموال ایشان را به تاراج میبردند و افراد آنها را می کشتند و خود ها را پیرو خط امام معرفی میکردند از سوی دیگر نزاع داخلی در قریه های چهارکنت و شولگره آسیب فراوان را بار آورد که در مجموع از هر دو مناطق بیشتر از پنجصد (۵۰۰) نفر بهلاکت رسیدند.

که هر دو مربوط دو سازمان اسلامی نصر و حرکت بودند حرفهای شنیده می شد که حتی پریعتاد

از انتشارات شورای فرهنگی اسلامی افغانستان :

کتاب‌های زیرین در دفتر شورای فرهنگی اسلامی افغانستان وکتابفروشی غارثی واقع علمدار روڈ کویته پاکستان برای فروش موجود است .

۱ - نقش ملیت هزاره در انقلاب افغانستان قیمت (۱۰) روپیه
۲ - حماسه هزاره " (۱۵) "
۳ - وفای ارباب " (۱۲) "
۴ - نوکر " (۱۰) "
۵ - ماهنامه شورای فرهنگی " (۳) "
۶ - ندای کوه بابا " (۵) "
۷ - مسایل انقلاب افغانستان " (۱۰) "
۸ - ندای افغانستان " (۶) "
۹ - پیام تاریخی هزاره جات " (۵) "
۱۰ - رستاخیز جنگ افغانستان " (۲۰) "
۱۱ - شکست روسها در هزاره جات " (۴۰) "
۱۲ - کارنامه‌ها در افغانستان " (۲۰) "
۱۳ - اشک خاور " (۵) "

کتاب‌ها را از آدرس زیرین می‌توانید طلب کنید :

شورای فرهنگی اسلامی افغانستان
پوست بکس ۳۳۳ کویته پاکستان

Shura-e Farhangie-
Islami Afghanistan
Post Box No: 333
Quetta Pakistan

تاریخ طبع : دلو ۱۳۶۴ هجری شمسی
تعداد طبع : (۲۰۰۰) جلد

آدرس بانکی

Habib Bank limited liaqat
Bazar Name Of accont
M. Essa account No: 2545 Quetta Pakistan

سال وطفل شیرخواره هم دیگر را بهلاکت رسانیده اند ، درهمین منطقه حتی دستهٔ از اثر فشار مقابل تخاصم ، بر روبهاتسلیم گردید . معلوم می شد که نزاعها چقدر ریشهٔ عمیق داشتند و چه اندازه عمال دولت در هیزم نفاق سهم داشته است که مسئولیت تاریخی آن بدوش کسانی خواهد بود که نزاع را آغاز کرده اند که تاحال جریان دارد هم احوال بتاریخ ۱۳۶٤ هجری شمسی خبرهای تائید شده ازقره باغ غزنی رسید که هفتاد ، ۷۰ ، نفر از حرکت اسلامی وسازمان نصر بهلاکت رسیدند که نهایت قابل تاسف میباشد زیرا بقول آقای جاوید معاون رهبر حرکت اسلامی " ملت ما درین مسایل هیچ تقصیر ندارند عاشقانه و مردانه از هستی وحیات خود تاکنون هم در راه انقلاب می گذرند ولی آنچه تقصیر وجود دارد بعهده آنانی است که ریاست ورهبری راگونهٔ عهده دار شده اند ... صفحه ۱۲ شماره ۳ مجله استقامت ، بگفتهٔ فوق " امیدواریم احزاب ، سازمانها وارگانهای که در انقلاب اسلامی افغانستان سهم دارند درشیوه تفکر و عمل خود تجدید نظر کنند ، همانجا "

که محمد باقر نوازی وغیره افراد درباره می کوشیدند ولی عوامل بیرونی وکم تجربه گی شخصیت ها
موجب پراگندگی آنان گردید شاید روی همین رابطه در تاریخچه سازمان «نصر» می نویسد:
«با پیوند مدرسه و فاکولته و وحدت طلبه ومحصل درجهت ایجاد تشکیلات اصولی
برای بثمر رسایدن مبارزات حق طلبانهٔ خود توان بیشتر یافتیم . لذا از تاریخ ۱۳۵۲
زیر نام گروه مستضعفین بکار خود ادامه دادیم .. صفحه ۶۲ که در بابت انشعاب مجاهدین
خلق وپیکار نتیجه بدخود را بخشید .
برای اینکه جوانب چگونگی سازمان ها را بهتر روشن گردد قسمت از اتفاقات آن دوره را
از زبان سید میرحسین فصیحی ولد الحاج سید محمد طاهر مسئول سازمان نیرو نقل میکنیم .
موصوف در سال ۱۳۲۱ در قریهٔ «هوجی کجاب» تولد یافته است بقول خودش از
خانوادهٔ اشراف سادات منطقه میباشد که معروفترین خانوادهٔ مزبور شاه عبدالعظیم
وحاجی محمد اکبر محسنی همرای چهار نفر دیگر ذریعهٔ دوسیه «۱۷» فقرهٔ سیاسی به اتهام ارتباط
همرای دول پاکستان وایران در زمان صدر اعظمی سردار داود خان در مسئله زیارت
«گیروی روزی کجاب» بمدت پانزده سال حبس شدند . به چهار نفر دیگر «۱۰» سال
قید تعیین میگردد که بعد ها در ایام مسافرت ظاهر شاه در هزاره جات بنا به استدعای مردم
آزاد گردیدند که این ها عموی آقای فصیحی است . موصوف دوره های تعلیمات دینی
خویش را در افغانستان وقسماً در نجف اشرف نزد شیخ جواد طبریزی و باقر صدر بپایان
رسانیده است زمانی که همرای افغانستانی ها بوسیلهٔ عاملین دولت عراق اخراج
می گردد دولت شاهی ایران هم همگی را به شکل ترانزیت در بندر افغانستان تحویل

سید هد همرای نگارنده صحبت کردند زمانی که در کابل رسیدیم تضاد روحانیون سید و هزاره به اوج خود رسیده بود ، طی سخنرانی موضوع را انتقاد کردم که دیگر مسایل کم بود که تبعیض و امتیاز سید و هزاره را هم علاوه کردید ؟ سید و هزاره برادرهم اند آن کس نزد پروردگار مقرب می باشد که متقی است « انّ اکرمکم عندالله أتقیکم »

درین زمان جمهوریت داود خانی است کتابهای سیاسی را کم می گذاشتند، در رابطه پنجهزار جلد کتابم را قید کرده بود آقای عالم وتاجر که نفوذ در ارکان دولتی داشتند واسطه قرار دادم تا کتابهایم را بدست آورند با وجود زحمات آن ها نتیجه عاید نگردید ولی خودم تنها - کتابهای درسی را بدست آوردم همزمان ملای مدرسه عمومی « قلعه شاده » گشتم که ناگهان ماموریت سمت « قلوشاده » مراجلب کردند . در ماموریت که رسیدم علمای اهل تشیع وتسنن را ملاحظه کردم مامور سمت مکتوب را بما نشان داد که ما علما باید ازطریق وزارت اطلاعات کلتور کارت اجازت تبلیغ را باید داشته باشیم و در مکتوب علاوه شده بود که « دول متحابه » یعنی روسها و اقمارش را متعرض نشویم . در جواب گفتم علما چنین کار رانمی کند همه علما حرفم را تایید نمودند موضوع را تحریری نوشتم بعد از آن در زمان جمهوری داودی کسی مزاحم ما نشد ولی محافل پراگنده سیاسی ادامه داشت مناسباتم همرای اسماعیل

مبلغ نهایت صمیمانه بود، در اواخر سال ۱۳۵۶ موفق به تدارک حلقهٔ سیاسی شدم که از جمله اعضای آن آقای «میر علی احمد عالم» بود برای پیشبرد کار سیاسی به مبلغ سی هزار (۳۰۰۰۰) افغانی را دو پایه ماشین تایپ فارسی و انگلیسی خریدیم در رابطه حویلی را برای مجالس در واقع قلعه شاده قباله کرده گرفتیم که مبلغ پانزده هزار (۱۵۰۰۰) افغانی آن را شخصاً پرداختم کارها چندان منظم شده نبودند که کودتای ننگین ۷ ثور داود خان را از صحنه برداشت. ما روی موضوع تازه جلسات را برگزار کردیم در رابطه اکثر علمای طراز اول شیعه دیده شدند که از آن جمله آقای یون واعظ و شیخ محمد امین افشار جواب منفی دادند، آقای ناصر گفتند: ما باید همکاری عمیق را همرای دولت داشته باشیم ولی کار اسلامی و سیاسی خود را مخفیانه انجام میدهیم روی طرح مذکور نزد من و او اختلاف پیدا شد که در هنگام آقای واعظ را بردند. روی قضیه نو در حدود سی تن علما در نزد تره کی رفته خواستار آزادی سید سرور واعظ شدیم درباره سه نفر سخنگوی انتخاب شده بود که از جمله آقای عبدالحمید ناصر در اول بصراحت گفت: «مردم ما متدین هستند، ما مادیت بدون معنویت را نمی خواهیم تقاضا داریم و امیدواریم تا آقای واعظ رها گردد» و هم علاوه می کند که:

«... درین کاخ که شما امروز تکیه زده اید شاهان آمدند و رفتند، در اول وعده ها دادند بوعده های خویش عمل نکردند تاریخ نامهٔ اعمال آن ها را ثبت کرده است. ملت ناظر اعمال شما نیز میباشند.»

نطق مذکور (۲۰) دقیقه طول کشید بعد «سید مصباح» پنج دقیقه حرف زد که تائید سخنان آقا ناصر را میرساند که این جمله را علاوه نمود:

«... در بعض محافل حرف های درباره شما نیز گفته میشود»

جمله فوق که اشاره بمرام حزب خلق و پرچم شمرده می شد شخص تره کی را مرتعش کرده تکان داد و چهره اش تغیر نمود. شخص سوم که آقای چید باشد نوبت حرف نرسید، پس نور محمد تره کی همان حرفهای قرار دادی گذشته خود را در جواب علما تکرار می کند که:

«ما سه طبقه ملا داریم که اولی وطن پرست هستند که همکار ما شمرده می شود و دسته دوم متدین و نمازگزاران اند که با آنها کار نداریم گروه سوم نوکران امپریالسم و ارتجاع هستند که با عده اخیر آشتی ناپذیریم. بعد نور محمد تره کی شصت و انگشت اولی خود را حلقه کرده می گوید ازین هم از کربلا برای شما طلب می کنم که منظورش مهر کربلا بوده است و در مورد آزاد کردن شخص مورد نظر جواب شما را علی میدهیم دو ساعت بعد در همان روز آقای واعظ را آزاد می کند از جمله علما آقای فصیحی به یدنش که میرود او با تمجید می گوید «این ها (اشاره بخلقی ها) نسبت بحکومت های گذشته خوب هستند، دولت های گذشته وحشی بودند همرای من مثل یک مهمان رفتار کردند بسیار نان خوب میدهند!؟» قرار نقل فصیحی که خودش در جواب وی میگوید «جناب حرفهای شما روی اذهان مردم عوام نتیجه بد میدهد» او که مرعوب شده بود بعداً شنیدیم که مبلغ پنجاه هزار (۵۰۰۰۰) افغانی کمک بدولت داد تا اینکه در زمستان همان سال نقشه گرفتار رو حانیون شیعه کابل افشا گردید که در طی یکهفته همگی گرفتار می گردد، هیجان و وحشت عظیم پدید آمد که

دراول آقای واعظ را بردند. خبر بردن واعظ عوام را چنان متاثر نمود که در تکیه خانه اش رفته میگریستند و بزودی آقای ناصر را از سرفاتحه میت از قبرستان کارته سخی بردند در هنگام صدای زنجیر دروازه آقای عالم بلند میشود او که خود در را باز می کند ناگهان عاملین دولت ازو می پرسند میرعلی احمد عالم شما هستید؟ او که جواب مثبت میدهد عمال وحشی دست اندازی می کنند آقای عالم بنای مقاومت را گذاشته می گوید بگذارید تا لباسهایم را از خانه بگیرم در هنگام با چهره ناامید همرای مهمانان خداحافظی کرده می گوید که مرا که بردند! همرمان سید میرحسین رضوانی آن روحانی شجاع در بهسود چند شبانه روز سربرف ایستاده کرده بعد در زندان کابل اعزامش میدارند. آقای فصیحی از استقامت قندهار و هرات بعزم مهاجرت بسوی ایران حرکت می کند اشکالات که درعرض راه در برابرش سبز میشود از هرات سوی گرشک تغیر مسیر میدهد پس جانب لشکرگاه رفته پیروزی انقلاب اسلامی ایران را از امواج رادیو خبر می شود آنوقت که همگی خوشبین زیاد داشتند خرسندی برهمه حاصل میشود، که در وقت حادثه بزرگ قیام هرات سربلند می کند سرانجام از راه قندهار بکویته پاکستان آمده در جامعه امام صادق که داخل میشود اکثر حضرات مثل آقای قربانعلی محقق، عبدالصمد اکبری، ناطقی دایکندی، واعظی شهرستانی را می بیند که همگی رسیده اند میرحسین صادقی هم از که درینجا تغیر جهت داده است که تعداد تمام طلبه های مهاجر و علما در حدود (۲۰) بیست نفر می گردد که مطابق اوایل بهار ۱۳۵۸ هجری شمسی است بعضی ها آقای محقق را بباد انتقاد می گیرد که حالا شما تعلیم دین می کنید؟ وطن که از دست رفت!؟

قربان علی محقق اعتراف می کند منکه نمی فهمم که چه کنم ؟ عام وخاص بر او فشار می آورد تا اعلام جهاد علیه دولت خونخوار را بدهد ، سرانجام او عذر می آورد که « زن و فرزندم درکابل هستند » جلالتمآب متذکره همه گی را عصبانی می کند که بر او تاخته می گویند آیا زن و فرزند شما بالاتر از بیست ملیون نفوس افغانستان است ؟

سرانجام برای صحنه آوردن وی نقشه طرح می گردد که هرکس هر قدر پول در جیب دارند در میدان خدا و راستی بریزند که از آن درکار مبارزه استفاده شود ، در رابطه آقای میرحسین صادقی پیشنهاد می کند که فقط نصف پول های حاضر را در امور بپردازند که مورد قبول اکثریت واقع میشود در رابطه موضوع آقای فصیحی چنین حکایت کردند : « بنابر نقشه که طرح شده بود اول جیب های مرا میرحسین صادقی پالید تمام پول نقد من را که مبلغ چهارده هزار (۱۴۰۰۰) افغانی آن زمان می شد گرفته آن را مناصفه نمودم من هم به نوبه خویش مبلغ پانزده هزار (۱۵۰۰۰) افغانی او را بیرون آوردم و مناصفه کردم در هنگام از جیب عبدالصمد اکبری (نماینده فعلی شورای اتفاق (۱۶۰) روپیه پاکستانی بدست آمد . بهمانگونه اکثر حاضرین مورد بازرسی واقع شدند منظور که هستی محقق بود نوبت جناب رسید ولی او شجاعانه مقاومت بخرج داده گفت « چندصدهزار پول نقد که نزد محمدی پسرم میباشد مال خالص خود وی است که من شرعاً اجازه آن را ندارم از خودم صدهزار افغانی است که بنا به اشکالات مناصفه نکردند .

سرانجام پس از بازو تلاش وفشار مجلس فقط هزار افغانی را هربانی کردند پولهای نقد

مبارزات هزاره ها
در
بیست سال اخیر افغانستان

نوشته : محمد عیسی « غرجستانی »

از انتشارات شورای فرهنگی اسلامی افغانستان

قلات پریس کوئته

الف

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار :

خواننده عزیز !

رساله راکه اکنون در دست دارید دران مطالب مهم وارزنده تاریخی از مبارزات برحق مردم افغانستان بخصوص هزاره ها که یکی از عقب مانده ترین ومحروم ترین ملیت های افغانستان محسوب میشود ، چه در دوران چند سال انقلاب وچه قبل ازان درین نوشته گنجانیده شده است .

مردمی که درطول سالیان متمادی بنا بعلل مختلف از کمترین حقوق اجتماعی ، سیاسی وفرهنگی برخوردار نبودند در زیر سخت ترین شرایط تبعیض نژادی ، لسانی ، مذهبی وغیره مناسبات نابسامان اجتماعی که توسط استعمار وعمال کثیف آن به شیوه های گوناگون بالای شان تحمیل می شد بسر می بردند .

در دوران حکام گذشته افغانستان با وجودکه تمام تکالیف دولت از مالیات گرفته تا خدمت در نظام عسکری بحیث افراد ونفرخدمت وغیره جبراً بالای شان اعمال می شد ولی از تمام زمامداری وعوائد کشور بی نصیب بودند .

تا آنکه دوران سیاه خاندان نادری بپایان رسید کشور محبوب ما در رابطه این خاندان مورد تاخت وتاز سوسیال امپریالیسم وعمال دست نشانده شان (خلق وپرچم) قرار گرفت ، دیری نگذشت که قیام آزادی خواهانه در گوشه وکنار کشور اوج گرفت از جمله مردم هزاره جات درظرف (٤٥) روز تمام فرمانداری های محلی خود را ازبین بردند ، ازان تاریخ به بعد تا اکنون دولت دست نشانده نتوانسته

است حتی یک ولسوالی را هم دوباره رویکار نمایند .

گرچه روسها با یک پلان منظم چندین مرتبه سراسر هزاره جات را از طریق زمین و هوا با وحشیانه ترین شیوه آن مورد حمله قرار داد اما نتیجه آن جز تلفات سنگین چیزی دیگری نبود .

چنانچه در برخی نقاط هزاره جات (دره قیاق ، جاغوری ، دره ادلی ، دره ترکمن و شیخ علی و غوربند ، دره های اطراف و نواحی بامیان ، دره صوف ، چارکنت و قسمت های غربی هزاره جات وغیره) تلفات روسی ها بحد سنگین میباشد که در ساحات نامبرده از سرگ های که قوای اشغالگر روس گذشته است مملو از لاشه های تانک ، موتر و هواپیما می باشد ، اما متأسفانه تا هنوز هیچ گروه و سازمانی ازان نام نبرده اند .

خلاصه اگر سوابق تاریخی مردم مسلمان هزاره را در نظر بگیریم دیده می شود که این مردم چه در گذشته چه در جریان چند سال انقلاب از هرگونه فداکاری در راه استقلال و آزادی افغانستان دریغ نورزیده است و نخواهد ورزید .

چنانچه شهامت و فداکاری این مردم همانند سایر ملیت های افغانستان در دوران حمله انگلیس و در جریان انقلاب علیه روسها و نوکران (حادثه چنداول ، بالاحصار و سه حوت) وصدها حوادث دگر شاهدی بر مدعای ما است .

چون بنا به علل مختلف کسی ذکری ازان بمیان نیاورده بنابرآن ما میخواهیم از مجاهدات قهرمانانه مردم افغانستان و عده از دانشمندان و علمای کرام و روشن فکران و قهرمانان ملی سابقه و حاضر امثال محمد اسمعیل مبلغ وغیره و فعالیت های گروه ها و سازمان های مختلف طبقات اجتماعی در اوراق تاریخ

درج نمائیم تا از فعالیت های آن ها مردم افغانستان وجهان را مطلع سازیم و مسئولیت اسلامی و ملی خود را در قبال نسل آینده کشور رفع ساخته باشیم . طورکه دیده می شود درین کتاب یک اندازهٔ اختلافات بمورد بعض گروه ها که آنهم توسط روسی ها و اجنت های مخفی شان دامن زده می شود ذکر شده لذا اگر وه های مختلف وعلمای اعلام و روشن فکران با وجدان آرزومندیم که عوض این اختلافات بمورد دست برادری را باهم داده برای استقلال و آزادی افغانستان باهم متحد شوند تا باشد وطن محبوب اسلامی خود را از چنگال خون آشام استعمار که دست کثیف شان با خون ملیون ها انسان بیگناه آغشته میباشد نجات بخشیم ، ونیز لازم به تذکر است که نویسندگان ، مورخین ، محققین واحزاب اسلامی هرکدام به نوبهٔ خود درحصهٔ مناطق که معلومات دارند باید طور مفصل تحریر دارند ، هیأت تحریریه شورای فرهنگی اسلامی افغانستان باکمال معذرت اعتراف مینماید که درفن تاریخ نویسی تازه کار بوده و به فقر علمی گرفتار است و میداند که کتب و رسالات شان دارای کمبودات هست امید داریم که صاحب نظران زبده در آینده موضوع را بهتر تحلیل نموده ما را نیز یاری بخشند . والسلام

هیأت تحریر شورای فرهنگی اسلامی افغانستان